

میباشد که علما از میان خلق بدارتقیابند و هر یکی آنقدر
از علم که با ایشانست با خود می برند و جمع جمیع باز
می مانند که خود کم راه باشند و دیگران نیز کمراه کنند و تمام
از پی ظالمان دوند و طمع در مال حرام ایشان کنند و خونتند
و خود در ظلمه آن می مانند و با خلق خدای بی ادبی کنند و از پی
علم و ادب نروند و گویند که ما پسر طایفیم **بیت**
ای پسر کج سعادت یادب یافته اند در طلب باش که این نه بطلد یافته
ایچد عشق در آموز و ملوی از آب جد که درین راه صوابت بحسب یافته اند
بروای ساده دل و کینه خود فاش کن که کرامات نه از نام و لقب یافته اند
ساکله راه طلب باش و دم از خوشترن که سعادت نه بخوشی و نیب یافته اند
ست غفلت مشوای دوست که از باب **جلود** دوشنای و صفادر دل یافته اند
آردم فرقی هست بزاده جنید ادب آموز که دولت باد یافته
بیت ای همه آیات و احادیث و حکمت که گفته شد و صد
هزار چند حکم این بیشتر در فضیلت علم علما اگر گویند
قطره است یاد بای پی پوز آب و از برای این شمه گفته

آمد

آمد تا از باب عقل و ایمان قدر علم و علما و معرفت ایشان
بدانند و مراد از علما را سخن است نه علمی و نه علمی
چرا که علم بسیارست و عالم بیشتر و اطلاق علم بر بسیار
از علوم کنند که آن تعلق بعلم دین ندارد مثل علم نجوم
و سحر و شعر و طب و هندسه و هیات و کشاوری و آب
دوانیدن و تیر انداختن و کوی نندن چنانچه در هر امور دنیا
که هر یکی علمی خوانند و شمردن آن بگایه مشکست و همه
البته ضروری است دیگر آن علمهای باطله زایغه که در کتاب
کلمه و خجل آورده اند مثل منطق و فلسفه و جبریه و قدره
و معتزلیه و معطله و ناصیه و افضیه و خارجی که هر یک
ازین ملتها بچند فرقه شده اند که همه کمراهانند و هر یکی را
ازین علم نامی نهاده اند و همه ضلاله است و پیش روی ایشان
شیطانست تا بلورخ نشان رساند پس آنجا که خطای
مدح آن در قرآن فرموده و حضرت رساله پناه **جلود**
این همه در فضیلت آن فرموده مراد علم دین است و علما